نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی
سال سوم، شماره اول، بهار ۹۸، صفحات ۱۶ تا ۲۳

نگاهی عملیاتی به مفهوم مرجعیت علمی

نویسندگان:
علی‌اکبر حق‌دوست[۱]، سمیه نوری‌حکمت[۲]، رضا دهنویه[۳*]، آتوسا پورشیخ‌علی[۴]

چکیده

زمینه و هدف: مرجعیت علمی به عنوان مفهومی که مصادیق آن در طول سال‌ها و دوره‌های مختلف تغییر کرده است، این روزها به گفتمان رایجی در دانشگاه‌ها و مجامع علمی ایران تبدیل شده است. با توجه به تمرکز اخیر مجامع علمی، دستیابی به توافق روی مواردی نظیر تعریف دقیق، مبانی نظری و نقاط قوت و مزیت‌های واقعی کشور و زیرساخت تشکیلاتی و مدیریتی ضروری برای دستیابی به مرجعیت علمی، ضرورت دارد.

روش کار: نوشتار حاضر به تحلیل سطوح مرجعیت علمی و برخی مبانی فلسفی آن و در نهایت مسیر پیش رو برای کسب جایگاه مرجعیت علمی در کشور، پرداخته است.

یافته‌ها: سیادت علمی، مرجعیت موضوعی، مرجعیت مؤسسه‌ای و مرجعیت پیشکسوتان چهار سطح ارائه شده برای مفهوم مرجعیت علمی است سیادت علمی با پیش‌ران بودن و تأثیرگذار بودن در مسیر توسعه علمی جامعه بشری به صورت گسترده محقق می‌شود. مرجعیت موضوعی به سرآمدی و توانمندی خاص در یک موضوع و حیطه اشاره دارد. مرجعیت مؤسسه‌ای در برگیرنده سرآمدی بعضی دانشگاه‌ها و مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی در یک موضوع خاص است. و در نهایت مرجعیت پیشکسوتان با پرورش و بالندگی دانشمندانی برتر و سرآمد در عرصه بین‌الملل اتفاق می‌افتد.

نتیجه‌گیری: برای تسهیل دستیابی به مرجعیت علمی دنبال کردن اولویت‌هایی نظیر گفتمان‌سازی و جریان‌سازی فکری در بین فرهیختگان جامعه، آسیب‌شناسی دقیق اقدامات انجام شده، نگاشت نهادی مرجعیت علمی در کشور، نگاه به آینده، به‌روزرسانی مفاهیم مرجعیت و استفاده از تجربه سایر کشورها، شناسایی ارزش‌ها و راهبردهای مناسب و منطبق بر قوانین بالادستی، تنظیم نقشه راه مرجعیت علمی، تقویت مأموریت‌گرایی و رصد وضعیت حرکت ضروری است.

کلید واژه‌ها: اقتدار، پیش‌بینی آینده، سیاست علمی، سیاست‌گذاری

مقدمه

برخی مرجعیت علمی را واژه‌ای می‌دانند که مصداق آن در دوران‌های مختلف تغییر کرده است. در این دیدگاه، سه دوره تاریخی علم کهن یا فلاسفه یونان، دوران تمدن اسلامی و دوره علوم جدید غربی برای مرجعیت علمی معرفی می‌شود. مرجعیت علمی در ایران فراز و فرود زیادی را در طول تاریخ تجربه کرده که قله آن را می‌توان دوران شکوفایی علمی ایران و ظهور تمدن اسلامی دانست(۱).

این روزها کلمه مرجعیت علمی، عنوانی رایج در گفتمان دانشگاهی و علمی کشور شده است و به صورت متواتر در اسناد بالادستی بدان اشاره شده است. به صورت رسمی و گسترده، مرجعیت علمی اولین بار در سال ۱۳۸۴ توسط مقام معظم رهبری در دیدار با استادان و دانشجویان دانشگاه امام صادق مطرح و موجب شکل‌گیری گفتمانی جدید در حوزه علم و دانش کشور شد(۲، ۳). پس از طرح این گفتمان در کشور، در اسناد بالادستی کشور نیز توجه ویژه‌ای بدان شد. در نقشه جامع علمی سلامت، حوزه‌های راهبردی توسعه علمی آتی نظام سلامت، معرفی شدند. در این نقشه، رشته‌های راهبردی به سه گروه رشته‌های زیرساخت، بقا و کمال تقسیم شدند. حوزه زیرساخت شامل رشته‌هایی است که بستر و چارچوب عملکردی نظام سلامت را شکل می‌دهند. رشته‌های بقا، ضامن بقای نظام ارائه خدمت سلامت و در نتیجه سلامت جامعه هستند، حوزه کمال شامل رشته‌هایی است که به‌سرعت درحال جابه‌جایی مرزهای دانش است و در آینده‌ای نه چندان دور، حوزه‌های رقابت علمی بین

۱. استاد اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات مدل‌سازی در سلامت، پژوهشکده آینده پژوهی در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان
۲. استادیار مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، مرکز تحقیقات مدیریت و رهبری در آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان
۳. دانشیار مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، مرکز تحقیقات آینده‌نگری و نوآوری سلامت، پژوهشکده آینده پژوهی در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان
۴. دانشجوی دکترای پژوهشی آینده پژوهی در سلامت، مرکز تحقیقات آینده‌نگری و نوآوری سلامت، پژوهشکده آینده پژوهی در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان
* نویسنده مسئول: دانشگاه علوم پزشکی کرمان، پژوهشکده آینده پژوهی در سلامت، میدان هفت باغ،کرمان، ایران. ایمیل: rdehnavi@gmail.com، تلفن: ۰۹۱۲۳۴۰۵۱۸۷

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-07]

جوامع را شکل خواهند داد(۴). نقشه جامع علمی سلامت با رویکرد تحلیل پارتو تنظیم شده است؛ در این رویکرد، اعتقاد بر این است که ۸۰ درصد از دستاوردها، حاصل ۲۰ درصد از تلاش‌ها هستند؛ بنابراین باید رشته‌های راهبردی شناسایی شده و تقویت و رصد شوند تا از حرکت در مسیر مرجعیت علمی اطمینان حاصل شود(۵).

همچنین در سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در بخش سلامت در بند ۱۴، بر تحول راهبردی پژوهش علوم پزشکی با رویکرد نظام نوآوری و برنامه‌ریزی برای دستیابی به مرجعیت علمی در علوم، فنون و ارائه خدمات پزشکی و تبدیل شدن ایران به قطب پزشکی منطقه آسیای جنوب غربی و جهان اسلام، تأکید شده است. در بسته‌های تحول آموزش علوم پزشکی کشور نیز در بسته اول، بر طراحی نظام رصد حرکت در مسیر مرجعیت علمی در آموزش علوم پزشکی و تدوین سند آینده‌نگاری و نقشه راه تحقق مرجعیت در آموزش علوم پزشکی در افق چشم‌انداز تأکید شده است(۶).

خوشبختانه در سال‌های اخیر بحث‌های خوبی در زمینه مرجعیت علمی درکشور صورت گرفته و تحلیل‌های قابل قبولی منتشر شده‌است ولی هنوز درمورد بعضی از اصول مانند تعریف دقیق، مبانی نظری و نقاط قوت و مزیت‌های واقعی کشور و زیرساخت تشکیلاتی و مدیریتی ضروری برای دستیابی به مرجعیت علمی، اجماع وجود ندارد.

روش کار: نوشتار حاضر به تحلیل سطوح مرجعیت علمی و برخی مبانی فلسفی آن و در نهایت مسیر پیش‌رو برای کسب جایگاه مرجعیت علمی در کشور، پرداخته‌است.

یافته‌ها

تعریف مرجعیت علمی

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، علم یکی از سه پایه اصلی اقتدار در جهان امروز است. براساس سخنان ایشان، مرجعیت علمی به معنای ایجاد بنای مستقل علمی است، به نحوی که دنیا از نظرات ما استفاده کند(۷). با وجود تواتر استفاده از اصطلاح مرجعیت علمی، هنوز در مورد تعریف دقیق از مرجعیت، اختلاف‌نظر وجود دارد. مرجعیت علمی به معنای " قطب علمی" و "محور علمی" شدن و کسب جایگاه ممتاز جهانی در حوزه‌های علم و دانش است. به‌عبارت‌دیگر مرجعیت علمی به "منشاء اثر بودن" یا " اثرگذاری علمی" کشور اشاره دارد(۷). مرجعیت علمی به نوعی پیشتازی درعرصه علم و برتری علمی اشاره دارد که باعث می‌شود جویندگان علم به جایگاهی که رتبهٔ مرجعیت علمی را داراست، مراجعه کنند(۸). مرجعیت علمی یعنی مراجعه جهانی به منابع علمی تولید شده توسط دانشمندان و متخصصان و شناسایی آنها به عنوان صاحب نظریه و سبک علمی.

در یک طرف طیف و از یک نگاه، مرجعیت علمی به عنوان پایگاه و منظرگاه علمی شدن در سطح جهان است و در سوی دیگر طیف، داشتن افرادی در سطح بسیار بالای علمی، مطرح و شناخته‌شده در سطح ملی و بین‌المللی که می‌توانند دارای مقالاتی پراستناد باشند، و البته حالت‌های بینابینی زیادی را نیز می‌توان تعریف کرد. اگرچه این سطوح می‌توانند در یک راستا باشند و تضادی بین آن‌ها نیست ولی در برنامه‌ریزی‌ها، تأکید بر هرسطح، ضرورت‌های خاص خود را می‌طلبد که در این نوشتار بدان پرداخته خواهدشد. در ادامه هر کدام از سطوح مرجعیت به صورت مبسوط‌تر توضیح داده شده‌است.

سطح اول: سیادت علمی

این سطح مصداق زمانی است که نه در یک موضوع کوچک، بلکه در سطح بسیار وسیع و گسترده از سراسر جهان برای یافتن پاسخ به سؤالات خود به جایی مراجعه کنند. در این سطح، پیش‌ران بودن و تأثیرگذار بودن در مسیر توسعه علمی جامعه بشری به صورت گسترده مطرح می‌شود و بالندگی علمی قید زمان و مکان و موضوع را در می‌نوردد و زبان رایج علمی جهان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. برتری علمی بودن محدود به یک نفر و یک مرکز و یک موضوع نمی‌شود و حوزه‌های مختلف از بحث‌های فلسفی گرفته تا موضوعات کاربردی را در بر می‌گیرد و شبکه‌ای از افراد فرهیخته با یکدیگر تمدن و نهضت علمی بزرگی را شکل می‌دهند که برای نسل‌ها باقی می‌ماند. چنین مرجعیت علمی به‌طورقطع به یک برنامه بلندمدت چنددهه‌ای نیاز دارد تا به باروری برسد و می‌بایست همراه با فراهم آوردن تمامی زیرساخت‌های لازم، در ابعاد مختلف و هدفمند، اقدامات اساسی صورت گیرد که اهم این موارد به شرح زیر است:

۱. اصلاح فرهنگی و تقویت بعضی از اصول مانند حس خودباوری و خودشکوفایی و داشتن این دیدگاه که ما می‌توانیم اگر بخواهیم. همچنین تقویت فرهنگ کارگروهی برای بالا بردن سطح همگرایی‌ها و هم‌افزایی‌ها؛
۲. تدوین و ترسیم یک چشم‌انداز زیبا، جامع، مترقی و متمایز از شعارهای حاکم در سطح جهان، به شکلی که بتواند زیربنای یک نهضت عمیق علمی را فراهم کند؛
۳. داشتن راهبردهایی مطلوب که زمینه دستیابی به آرمان‌های متعالی ترسیم شده را فراهم کند و زیرساخت‌های لازم را برای اوج‌گیری فراهم آورد. پرواضح است که دستیابی به جایگاه خاص علمی در دنیای امروز که رقابت‌ها سنگین و پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک چشم‌گیر است حرکتی سخت و جهادی مقدس است که با صرف شعار و چند حرکت نمایشی محقق نمی‌شود؛ بنابراین نوشتن راهبردهایی که اصول کلی حرکت را مشخص می‌کند و راه را برای رسیدن به مقصود متعالی هموار می‌کند، از ضروریات غیرقابل اجتناب است؛
۴. پرداختن به مبانی تئوریک و بحث‌های زیربنایی برای تمایز این نهضت از سایر نحله‌های علمی موجود و تبیین ارزش‌ها، جهت‌دهی

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-07]

به فعالیت‌ها و کوشش برای رسیدن به زیربناهای فکری لازم کـه بـه استحکام و قوام سایر حرکت عملی منجر خواهدشـد. در ایـن مسـیر توجه به هم‌گرایی علوم، جاذبه بالا به جذب افراد با توانمنـدی برتـر و تخصص‌های منحصربه‌فرد؛ پـرداختن بـه مفـاهیم علـوم پایـه، علـوم انسانی و بحث‌های جانبی ماننـد هنـر مـؤثر، احساسـات و رفتارهـای انسانی به خوبی متبلور است؛

۵. تدوین یک نقشه راه کلان که وظیفـه همـه ذی‌نفعـان و بـازیگران را مشخص، حدود اختیارات را تعیین، شیوه تعاملات را معـین و زمینـه رصد فعالیت‌ها را قدم به قدم روشن می‌کند و باعث می‌شـود جامعـه علمی کشور و مردم نیز در زندگی روزمره خود به‌تدریج بـا ثمـرات و تأثیرات حرکت به سمت مرجعیت علمی آشنا شوند.

از جمله مصادیق سنجش پیشرفت در این سطح از مرجعیت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. حرکت عمیق از مبانی تئوریک تا کاربردها و اثرات ملموس در جامعه؛
۲. الهام‌بخشی که وجه تمایز قابل ملاحظه با سایر نحله‌های علمی جهان را معرفی کند؛
۳. حرکتی گسترده و شبکه‌ای که تمامی رشته‌ها و شاخه‌های علمی و مراکز و متفکرین بشریت را در برگیـرد. در ایـن سـطح هـم‌گرایـی علوم، توجه به علوم پایه هم‌سنگ علوم کاربردی و توجه به مفاهیم عمیق علوم انسانی، مباحث فلسفی، هنر و احساسات در کنار علـوم تجربی مدنظر است.

براساس توضیحات فوق، به نظر می‌رسد که صحبت‌های مقام معظم رهبری و اسناد بالادستی در کشـور ایـن سـطح از مرجعیـت علمـی را تبیین و تعیین کرده‌اند و اگر سایر سطوح نیز مورد اشـاره قـرار گرفتـه است تنها برای هموارسازی راه و مسیر برای رسیدن بـه ایـن سـطح از رشد و توسعه علمی است.

سطح دوم: مرجعیت موضوعی

در این سطح از مرجعیت، رشد و بالنـدگی در یـک حـوزه خـاص مطـرح است و تلاش می‌شود که در آن موضوع و حیطه نقطه مرجع در سطح جهـان مطرح شود. در مرجعیت موضوعی، حرکت سـریع و شـتابان در یـک موضـوع خاص به شکلی که سبک جدید و حرفـی متفـاوت در آن شـاخه علمـی ارائـه شود، اتفاق می‌افتد. بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته جهان نیـز بـرای رشـد و بالندگی علمی خود بدین شـیوه عمـل مـی‌کننـد و بـا بررسـی نقـاط قـوت و همچنین فرصت‌سنجی در عرصه بین‌الملـل، موضـوعاتی را تعیـین و بـر روی آن‌ها کار می‌کنند تا بتوانند با سرعت و شانس بالاتری به نقطه اوج برسـند و از مواهب و دستاوردهای آن برای بالا بردن رفاه جامعه استفاده کنند. مـروری بـر جهت‌گیری رشد در کشورهایی ماننـد کـره جنـوبی، مـالزی، هلنـد، فنلانـد و بسیاری از کشورهای دیگر به خوبی پیروی از مدل‌هایی را روشن می‌کنـد کـه با این هدف آغاز و به نتیجه رسیده‌اند. البته باید به این نکته توجه کـرد کـه در اکثر این مدل‌ها از بحث‌های فلسفی و مبانی نظری به سرعت عبور مـی‌شـود و به سمت فناوری و تولید ثروت حاصل از عمل، توجه بیشتری مبذول شـده تـا جامعه سریع‌تر از مواهب ایـن رشـد بهـره‌منـد شـود. بنـابراین در عمـده ایـن حرکت‌ها، مبانی نظری و تعاریف مربوطه را با اقتباس از تعـاریف رایـج علـم در جهان غرب به عاریت گرفته و در این موضوعات متوقف نشده‌انـد و بنـابراین از یک طرف نمودهای بیرونی رشد و توسعه علـم و فنـاوری را سـریع‌تـر تجربـه کرده‌اند و از طرف دیگر طبیعی است که به صورت عمیق صاحب سبک نشـده و محدودیت‌های علم و دنیای علمی فعلی را به صورت پیش‌فرض پذیرفتـه‌انـد و قبول کرده‌اند که نتیجه عملی کارشان ارتقای رفاه اسـت ولـی اینکـه آیـا بـه سعادتمندی نوع بشر کمک کند یا خیر، پاسخ واضحی ندارند. برای رسیدن بـه شروع سرآمدی برای چند نسل و حداقل دو دهه کار زیربنایی لازم است.

ازجمله مصادیق سنجش پیشرفت در مرجعیت موضوعی می‌توان بـه موارد زیر اشاره کرد:

۱. تئوری‌پردازی در یک موضوع علمی
۲. داشتن شبکه قوی در آن موضوع که مراکز مختلـف کشـور و دانشـمندان کشور و حتی بین‌الملل در آن قالب کار پویا انجام دهند.
۳. تنظیم و تولید منابع علمی، به‌طوری که در سطح بین‌المللی به عنوان مرجع در آن موضوع مطرح شوند.

سطح سوم: مرجعیت مؤسسه‌ای

در این نوع مرجعیت، مراکز تحقیقاتی، مطالعاتی، دانشگاه‌هـا و حتـی حوزه‌های علمیه می‌توانند به طور هدفمند برنامه‌ریزی کنند و در راستای سرآمدی و یافتن جایگاه برتر علمی در یک موضوع خاص اقدام کنند. این حرکت رو به رشد اگرچه بسـیار مغتـنم اسـت و ارزش والایـی دارد ولـی محدود به یک فضا و جغرافیا است و توان گسترش کشوری و حتی جهانی آن محدود است. به عنوان مثـال چنـدین دانشـگاه بـزرگ کشـور تـلاش می‌کنند که در بین ۵۰۰ دانشگاه برتر جهان قرار بگیرند و یـا مؤسسـه‌ای مانند رویان وابسته به جهاد دانشگاهی درزمینه سلول‌های بنیانی اقدامات بسیار ارزشمندی انجام داده و حتی برای ارائه خـدمات خـاص در سـطح کشور بسیار مؤثر بوده است. اما مؤسسه رویان در سطح دوم مرجعیت قرار نمی‌گیرد چراکه به صورت شبکه‌ای گسترده و درکل سـاختارهای علمـی کشور گسترش نیافته و محدود به یک مؤسسه باقی مانده اسـت. ایـن بـه معنای نادیده گرفتن تأثیرات غیرمستقیم فعالیت‌های این مؤسسه بر روی سایر مراکز کشـوری در زمینـه سـلول‌هـای بنیـادین و نابـاروری و سـایر رشته‌های مرتبط نیست و به‌طور قطع سایر مراکـز و دانشـگاه‌هـا نیـز بـه تحرک بیشتر در این خصوص وادار شده‌اند؛ اما جنس آن از جنس حرکت به سمت مرجعیت در سطح دوم متفاوت است. بـه‌طـور مشـخص در ایـن سطح پیشتازی مراکز در رتبه‌بندی جهانی دیده می‌شود و به عنوان مراکز

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-07]

معتبر علمی معرفی می‌شوند در حالی‌که در سطح دوم مراکز و دانشگاه‌ها حداکثر هم‌افزایی را با برنامه‌ریزی دارند و به جای رقابت به‌طور عمده همکاری روح غالب کار است که در بستری مدون کارها را پیگیری می‌کنند و به مباحثی مانند فرصت‌سازی، آمایش سرزمینی، همکاری‌های بین بخشی و هم‌گرایی علوم توجه خاص می‌شود. به هر شکل به نظر می‌رسد در مقام عمل در بهترین وجه اقدامات موفق کشور در این سطح محدود بوده و اگرچه صحبت‌هایی از تبیین موضوعات خاص در نقشه علمی کشور شده اما در اجرا امکان فراهم‌سازی بستر کار برای تشکیل یک شبکه هم‌افزا در موضوعات برتر فراهم نبوده‌است.

از جمله مصادیق سنجش پیشرفت مرجعیت مؤسسه‌ای می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تبیین نقشه راهی که دانشگاه‌ها یا مرکز تحقیقاتی و پژوهشگاهی موفق در عرصه آموزش، پژوهش و یا تکنولوژی بتوانند رشد و به بالندگی برسند؛ مرجعی برای حضور افراد طالب علم در سطح جهان شوند و اعضای هیئت علمی و دانشجویانی بین‌المللی داشته‌باشند که به‌طور عمده به دلیل جاذبه علمی وارد شوند.
۲. مؤسسه در رتبه‌بندی‌های رایج مؤسسه‌ای در جهان، در جایگاهی مطلوب قرار گیرد.

سطح چهارم: مرجعیت پیشکسوتان

بدین مفهوم که ساختارها و تشکیلات کمک کنند تا افراد بیشتری از برترین‌های کشور به سطوح عالی علمی بین‌المللی برسند و به عنوان افرادی سرآمد معرفی شوند. در حقیقت این سطح از مرجعیت نیازمند پرورش و بالندگی دانشمندانی برتر و سرآمد در عرصه بین‌الملل است. این سرآمدی می‌تواند آموزشی، پژوهشی، مدیریتی و یا درمانی باشد و مانند نقاط بسیار درخشان برای چند سال و یا دهه در دفتر علمی جهان نامشان دیده می‌شود و هیچ تضمینی بر بقای آن نام و نشان وجود ندارد و به عبارتی این معرفیت و اشتهار به‌طور عمده فردی است و اگر ایشان از یک دانشگاه به دانشگاه دیگری منتقل شوند نام و نشان را نیز با خود می‌برند و همچنین در زمینه جانشین‌پروری نیز ممکن است خیلی موفق عمل نشود. زمانی که این سطح از مرجعیت هدف برنامه‌ریزی قرار گیرد، تعداد بسیار محدودی با شاخص‌های رایج سنجش جایگاه علمی مانند میزان ارجاعات از دیگران گوی سبقت را می‌ربایند و شکاف گسترده‌ای بین ایشان و سایر بدنه علمی کشور دیده می‌شود. این افراد خبره، خودکار بوده و با تکیه بر توان علمی خود رشد می‌کنند و رشته کاری خود را برمی‌گزینند و نقش ایشان در جهت‌دهی توسعه علمی بسیار بارزتر از تأثیرات بالا به پایین و برنامه‌های بالادستی است. همت والای افراد توانمند طی چند دهه کارفردی و با حمایت‌های مراکز دانشگاهی لازمه این سطح مرجعیت است.

البته باید توجه داشت که افراد مرجع و پیشکسوت محدود به افراد با زمینه تحقیقات گسترده نیستند و چه بسا افرادی بتوانند مقالات متعدد و سایتش‌های بالا در کارنامه خود بیافرینند اما نقش مرجع را نداشته باشند. بنابراین همبستگی مرجعیت با سایتش یک همبستگی قوی نیست. همچنین ممکن است فردی در زمینه درمانی صاحب سبک باشد و در سطح کشور و یا جهان بسیار شناخته شده باشند ولی میزان تحقیقات و مقالات قابل ملاحظه‌ای نداشته باشند و با این شرایط به واقع مرجع باشند. این نقش مرجعیت همچنین می‌تواند در حوزه آموزش و یا مدیریت نیز متبلور شود.

نکته مهم دیگر این است که به دلیل محوریت فرد در این نوع مرجعیت، ممکن است گسست‌های بین رشته‌ای بارزتر شود و امکان قرابت بحث‌های تئوری، و مبانی فلسفی به بحث‌های کاربردی و در نتیجه استفاده از مواهب توسعه علمی برای خلق ثروت و بالا بردن رفاه، محدود شود.

با این توضیحات به نظر می‌رسد که برداشت عمده مدیران اجرایی و دانشمندان و خبرگان علمی کشور از مرجعیت علمی در مقام عمل، در این سطح محدود شده است و حتی شاخص‌های سنجش موفقیت نیز با هدف تهییج بدنه علمی کشور در این سطح، تعیین می‌شوند. اگرچه شروع هر اقدام عملی باید با عبور از سطح چهارم و افزایش کمی و کیفی نخبگان و افراد سرآمد همراه باشد ولی محدودیت برنامه‌ها در این سطح و بیان موفقیت کشور در مسیر مرجعیت علمی با توجه صرف به این شاخص‌ها نیز خود یک ترمز خواهدبود؛ به‌خصوص اینکه برای سرعت یافتن دستیابی به مرجعیت در این سطح، لاجرم ممکن است تصمیماتی اخذ شود که برای رسیدن به سطوح بالاتر نه تنها مفید نخواهند بود بلکه کار را دشوارتر می‌کنند. به عنوان مثال با غلبه کمیت بر کیفیت، امکان و یا حتی تشویق غیرمستقیم برای عبور از مرزهای اخلاق در کارهای علمی نمود خواهد یافت و فردگرایی و کاهش انگیزه کارگروهی مانع حرکت جدی در سطح وسیع و بین‌رشته‌ای، خواهد شد.

از جمله مصادیق سنجش پیشرفت در این سطح از مرجعیت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. افرادی که با شاخص‌های رایج علمی مانند H-Index جایگاه خاص دارند. البته باید دقت شود که هر فرد با میزان ارجاع بسیار بالا مرجع نیست و در مقابل ممکن است فردی با میزان ارجاع پایین ولی با توانمندی بسیار خاص مرجع باشد.
۲. حضور در جایگاه‌های خاص مانند سردبیری و یا هیئت تحریریه مجلات علمی معتبر، سخنرانان ویژه و مدعو در کنگره‌های بین‌المللی برتر. البته ممکن است فردی در یک رشته تخصصی مرجع باشد و از سطح کشور و جهان برای درمان به ایشان مراجعه کنند.
۳. مورد مشورت قرارگیری در موضوع خاص تخصصی در عرصه بین‌المللی و ملی

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-07]

رابطه بین مبانی فلسفه و مرجعیت علمی

باید دقت کرد که مرجعیت علمی به خصوص در سطح اول و دوم بدون برخورداری از باورهای عمیق فلسفی و توجه به موضوعات عمیق بنیادی، ممکن نیست. لازم است به‌طور دقیق مشخص شود که علم چیست، و فاصله آن با دانش چگونه است؟ مرز دانش واقعی و اصیل و دانش غیر واقعی کجا است؟ هدف از توسعه علمی چیست؟ آیا بالا بردن رفاه و خلق ثروت غایت اصلی و نهایی مرجعیت علمی است یا به جز این موارد دستاورد دیگری نیز مدنظر است؟

به عنوان مثال فرض کنید که سعادتمندی نوع بشر در ارتقاء درآمد و ثروت تعریف و رشد علمی را معطوف به این تعریف بدانیم، در این حالت توجه به سلامت معنوی حتی با تعریف فعلی مورد قبول جهان (نه با تعریف برخواسته از منابع وحی و معارف ادیان الهی) اگر ضرورت هم داشته باشد به تبع اصالت جسم جایگاه می‌یابد و در پلکان ارزشی مقام نخست را ندارد. در این نگاه، انسان برای افزایش طول عمر خود و کاهش ناتوانی‌های جسمی و روانی و یافتن آرامش بهتر برای بهره‌مندی بیشتر از حیات مادی خود، نیاز به یک آرامش درونی دارد که از طریق باور به یک ماورا طبیعت حاصل می‌شود و بنابراین بدان اهتمام می‌ورزد. اما اگر به هر دلیل تضادی بین این بعد سلامت و سلامت جسم حاصل شود، وزن سلامت جسم بیشتر خواهدبود و به دلیل سلامت معنوی، حاضر به مصرف کردن از سلامت جسم نیست. در این نگاه بیداری نیمه‌شب برای عبادت و یا محدودسازی مصرف غذا به اسم روزه‌داری، به سادگی توجیه ندارد مگر اینکه ثابت شود بر سلامت جسم و روان تأثیر مثبت دارد. مثال فوق نشان می‌دهد که غایت علم، تلاش برای سعادتمندی نوع بشر است و بنابراین تعریف ما از سعادتمندی و ترجمان این تعریف به سطوح عملی و کاربردی، بسیار مهم است.

آسیب جدی که درحال‌حاضر در این موضوع در کل جهان و به‌ویژه در سطح کشور مشاهده می‌شود گسست قابل ملاحظه بین بحث‌های عمیق دینی و علمی در سطح جامعه است. اگرچه در هر دو حوزه، خبرگان زیادی فعالیت و دلسوزانه برای ایجاد این پیوند تلاش می‌کنند ولی هنوز این فاصله نه تنها پر نشده بلکه مسیر مدون و نقشه راه جامعی برای تکمیل شکاف تبیین نشده است. درحال‌حاضر هم در حوزه‌های علمیه، دانشمندان برجسته‌ای حضور دارند که با علوم روز آشنا هستند و هم در دانشگاه‌ها افراد بسیار دین‌مدار و متدینی حضور دارند که از معارف عالی دینی بهره‌مند هستند و هم مدیران دلسوز و درد آشنایی حضور دارند که برای ایجاد یک پیوند عمیق و اصیل بین دو حوزه معارف و عملیات تلاش می‌کنند ولی متاسفانه این پیوند عمیق و گسترده هنوز شکل نگرفته‌است. آسیب‌شناسی این گسست موضوعی بسیار مهم است ولی از حوصله این نوشتار خارج است و جداگانه باید بدان پرداخت و راهکارهایی را جست.

با وجود این نقص، باید اذعان کرد که تنها مسیری که امکان مرجعیت علمی در سطح اول و دوم را برای ما فراهم می‌آورد همین اتصال است در غیر این صورت برای مرجعیت در سطح اول و دوم باید یکتایی خاص و فرصت ممتازی را داشت تا بتوان بر آن اساس کمبود مزیت‌های نسبی خود را در مقابل کشورهای مترقی و توسعه‌یافته در نوردید و پیشی گرفت؛ درغیراین‌صورت امکان ارائه حرف نو بسیار سخت و یا حتی غیرممکن است و حداکثر برد کاری، حرکت سریع در همان جاده‌ای است که دیگران پیموده‌اند و در نتیجه میوه و ثمره آن نیز همانی است که سایرین پیش از ما چشیده‌اند. این به معنای کاهش ارزش ثمره علم و دانش در عصر جدید نیست و بدون شک این دستاوردها به بهبود زندگی بشر کمک کرده است و ما نیز بدون این مواهب به‌طور قطع زندگی سخت‌تر و محدودتری را تجربه می‌کنیم که مطلوب هیچ کس نیست. اما صحبت این است که شاید بتوان براساس باورهای اصیل دینی جاده‌ای جدید در توسعه و بالندگی علمی طرح کرد و سطح سعادتمندی بشر را ارتقا درجه داد و از زاویه دیگری به موضوعات نگریست و رفاه از جنس دیگری را به بشریت عرضه داشت. این مسیر ممتازی است که منشا مرجعیت علمی پیشنهادی می‌تواند باشد.

البته مختصات چنین مرجعیتی نیز باید متمایز از مرجعیت فعلی علمی باشد که عوارض خاص آن به خوبی مشهود است؛ بالا رفتن تفاوت‌ها و تبعیض‌ها، بردگی نوع بشر به شکل مدرن در خدمت اقتصادی که بی‌رحمانه تنها سود خود را می‌جوید و بدین دلیل ارزش‌های نوع بشر مانند خانه و خانواده، احترام به اخلاق در عرصه بین‌الملل و احترام به حقوق اولیه مانند صلح و آرامش به سادگی فروخته‌می‌شود، همگی از ثمرات انتخاب مسیر اشتباه در توسعه علمی است. اگرچه حرکت‌های نوع‌دوستانه نیز به شدت در سطح جهان رشد کرده و نقطه امیدی است ولی هرگز توان خنثی‌سازی اثرات بسیار خطرناک بمب‌ها و جنگ‌افزارها و همچنین افزایش اختلافات طبقاتی در درون و بین کشورها را ندارد؛ و این نگاه خاص توسعه علمی باعث شده است حتی در مرفه‌ترین کشورهای جهان نیز میزان خودکشی و افسردگی و اضطراب کاهش نیابد. بیان ما این است که مرجعیت خاصی که برخواسته از تعالیم وحی است می‌تواند رشد و سعادتمندی را به بشر ارزانی کند که ضمن حفظ دستاوردهای شگرف موجود، مواهبی متمایز را نیز ارائه کرده است که این عوارض را بکاهد.

با این تعریف مرجعیت علمی اگر دنباله‌روی صرف از تئوری‌های غرب باشد، در نهایت آنچه را که به وجود می‌آورد شکل بومی شده همان رشد و توسعه است که وابستگی را می‌کاهد، ولی سعادتمندی عمیق متاسفانه حاصل نخواهد شد. در مفاهیم آینده پژوهی از این موضوع به عنوان استفاده یک کشور از "آینده استفاده شده[1]" سایر کشورها نام برده می‌شود. به عبارتی دیگر، بسیاری از کشورهای درحال‌توسعه، بدون درک

1. Used Future

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-07]

واقعی از شرایط، نیازها و تصویر مطلوب خود، به دنبال آینده‌ای هستند که غرب بر اساس مبانی ارزشی خود دنبال کرده است و حتی ممکن است در زمان حال، بسیاری از این کشورهای غربی به این نتیجه رسیده باشند که بخش قابل توجه‌ای از تصویر آن‌ها از آینده، چندان درست نیز نبوده است(۹).

البته این دیدگاه محدودیت‌هایی نیز دارد و شاید مهم‌ترین آن‌ها، ظاهر شعارگونه آن است. به عبارتی به سادگی نمی‌توان دلایل کاربردی ارائه کرد که خبرگان و سرآمدان جامعه را قانع کند که از طریق قرابت مفاهیم عمیق دینی می‌تواند به سطحی از مرجعیت برسد که سعادت جامع بشر را تضمین کند و شاید مهم‌ترین اشکال آن این باشد که هنوز مدلی هر چند کوچک و مینیاتوری ارائه نشده و ملموس نیست و بنابراین کار را سخت و حرکت را کند می‌کند. اگرچه در سال‌های اخیر، چندین گروه و مجموعه متولی تولید نقشه راهی برای این موضوع شده‌اند و مستنداتی نیز تولید شده است و نهضت‌ها، شعارها، همایش‌ها و کتاب‌های متعدد شکل گرفته‌اند؛ اما هنوز هیچ یک از این اقدامات منجر به نتایج ملموس اجتماعی و جهت‌دهی به نهضت مرجعیت علمی با قرائتی متفاوت نشده است. همین عزم و جدیت مبارک است و باید مبنایی برای کارهای بعدی باشد ولی دلیل عمده این حرکت کند و بطئی، دشواری موضوع و اختلاف نظرات جدی در مبانی کار است که باعث شده زیرساخت‌های قوی فکری شکل نگیرد. البته در کنار دشواری مذکور، عوامل دیگری نیز در کاهش سرعت مؤثر بوده‌اند و از آن جمله می‌توان به ضعف در کارگروهی، گرفتاری زیاد مدیران با امور روزمره، ناپایداری مدیریت‌ها، چندپارگی و تعدد بسیار زیاد مراکز تصمیم‌گیری و عدم ارتباط ساختارمند بین آنها، واگرایی نسبی بین بعضی از گروه‌های فعال در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها و فقدان نقشه راه منسجم و مرحله‌ایی شده براساس واقعیت‌ها و نه ایده‌آل‌ها، نام برد.

بحث و نتیجه‌گیری

اما چه باید کرد؟

با توجه به این توضیحات، به نظر می‌رسد که در چند جبهه و به صورت موازی ولی هماهنگ باید اقداماتی ریشه‌ای شکل گیرد که به صورت مختصر در ادامه شرح داده می‌شود و در نوشتارهای بعدی سعی خواهد شد که هر یک از موارد، مبسوط‌تر واکاوی شوند. البته لازم است این موضوعات به صورت گسترده تبدیل به سؤالاتی شود که متفکران و متخصصان کشور برای پاسخ دقیق به آن‌ها ترغیب و تهییج شوند.

۱. **گفتمان‌سازی و جریان‌سازی فکری در بین فرهیختگان جامعه**: لازم است تا افراد خبره و متخصص و صاحب‌نظر با دیدگاه‌های مختلف و از منظرهای متفاوت در خصوص مرجعیت علمی حساس شده، بحث کرده و پیشنهادات خود را درخصوص اقداماتی که می‌بایست صورت گیرد و وظایف اعضای هیئت علمی، پژوهشگران، کارآفرینان، صنعت‌گران، مدیران و حتی مردم بیان کنند. این گفتمان‌سازی خود ظرافت‌هایی دارد که باید به‌طور عمیق واکاوی شوند تا بهترین مسیر مشخص شود.

۲. **آسیب‌شناسی دقیق اقدامات انجام شده در سال‌های اخیر**: کارهای متعددی درخصوص مرجعیت علمی در کشور صورت گرفته که تا حدودی مؤثر بوده و یافته‌ها و خروجی‌های محدودی داشته‌اند. نگاهی بیرونی و نقدی منصفانه بر این اقدامات می‌تواند روشن کند که چه بایدها و نبایدهایی برای ادامه کار مدنظر قرار گیرد و برای کاهش آسیب‌ها چه باید کرد؟

۳. **نگاشت نهادی مرجعیت علمی در کشور**: متاسفانه موازی‌کاری‌ها و عدم انسجام در ساختار مدیریت موضوع باعث شده است که زنجیره تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت و پایش به خوبی عملیاتی نشود. شناخت زمینه‌های اصطکاک و یافتن راهبردهایی برای کاهش این آسیب‌ها نیز از اولویت‌های بالا می‌تواند در نظر گرفته شود. نگاشت نهادی کمک می‌کند که وظایف تمامی سازمان‌ها و نهادهای مسئول در حوزه مرجعیت علمی روشن شود و با این نقشه راه، هماهنگی حداکثری بین ذی‌نفعان فراهم و موازی کاری‌ها به حداقل برسد.

۴. **نگاه به آینده، به‌روزرسانی مفاهیم مرجعیت و استفاده از تجربه سایر کشورها**: نیاز هست تا مفاهیم مرتبط با مرجعیت علمی به‌طور مرتب به‌روزرسانی شوند. با توجه به اینکه مرجعیت علمی، در مقایسه با سایر کشورهای دنیا و جوامع علمی تعریف شده است، نیاز داریم تا در به‌روزرسانی مفاهیم ساختاری و کارکردی مرتبط با مرجعیت علمی، تجارب سایر کشورها، تحولات بین‌المللی و روندهای مؤثر بر آینده آن را نیز در ترسیم نقشه حرکت در نظر بگیریم. به‌ویژه نقش کشورها و مرزبندی‌های جغرافیایی در توسعه علمی بین‌المللی در حال تغییر است.

۵. **شناسایی ارزش‌ها و راهبردهای مناسب و منطبق بر قوانین بالادستی**: این مهم که در واقع تداوم راهکارهای موجود ولی با قوت و نظم بیشتر خواهد بود از اقدامات بسیار اساسی است که خود نیاز به اجرای یک پروژه نظامند دارد و لازم است پیش از هر اقدامی، مسیری مناسب برای آن در نظر گرفته شود.

۶. **تنظیم نقشه راه مرجعیت علمی**: تنظیم ره‌نگاشتی که هدف غایی در مرجعیت علمی را برای دهه‌های آتی کشور تعیین و گام‌های رسیدن به آن هدف و زیرساخت‌های لازم را مشخص کند، ضرورتی است.

۷. **تقویت ماموریت‌گرایی و رصد وضعیت حرکت**: در سال‌های اخیر، سیاست‌های نظام آموزش علوم پزشکی به سمت توسعه ماموریت محور حرکت کرده است. در این رویکرد، سعی بر آن است که با شناسایی ظرفیت‌های موجود در هر یک از مناطق آمایشی و دانشگاه‌های علوم پزشکی، ماموریت‌هایی برای توسعه دانش و در نهایت دستیابی به مرجعیت علمی، برای آن‌ها تعریف شود(۱۰). بدین منظور دسترسی به

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-07]

شواهد به‌روز و دقیق درمورد پتانسیل‌های موجود در هر دانشگاه علوم پزشکی و نیز نحوه توزیع گروه‌های مرجع در رشته‌های مختلف علوم پزشکی در کشور و اولویت‌سازی به آن‌ها برای شبکه‌سازی و توسعه دانش در حوزه دارای مرجعیت، می‌تواند بستر اطلاعاتی مناسبی برای تصمیم‌گیری تخصیص بهتر ماموریت‌ها، فراهم سازد(۱۱). تحلیل مزیت رقابتی گروه‌های آموزشی پیشرو در دانشگاه‌ها و تعریف مناسب نقش‌ها در قطب‌های علمی و دانشگاه‌های متولی ماموریت‌های ملی از ضرورت‌های حرکت مناسب در راستای تقویت مرجعیت علمی است. البته در این مسیر متاسفانه مشکلاتی در زمینه توزیع بودجه و منابع بر مبنای نقشه‌ای که بتواند عدالت علمی را نیز در کشور تضمین کند؛ وجود دارد. به دلیل ساختار و مدل معیوب تصمیم‌گیری‌ها و به‌خصوص در تخصیص بودجه‌ها، ارتباط بین دریافت منابع با حرکت منسجم و منطبق بر نقشه ترسیمی قوی نیست و موازی‌کاری‌های نهادها و مراکز مختلف تصمیم‌گیر، این نقطه ضعف را تشدید می‌کند.

A Practical Look At the Concept of Scientific Authority

AliAkbar Haghdoost[1], Somayeh Noori Hekmat[2], Reza Dehnavieh*[3], Atousa Poursheikhali[4]

Abstract

Background: Scientific authority a concept that has changed over the years and in different periods is nowadays a common discourse in Iranian universities and academic societies. Given the recent focus of the scientific community, it is necessary to reach a consensus on a precise definition, theoretical foundations and real strengths and capabilities, organizational and management infrastructure.

Methods: The present article describes the levels of scientific authority and some of its philosophical foundations and finally the path forward for achieving the status of scientific authority in Iran.

Results: Scientific hegemony, subject authority, institutional authority, and pioneers authority are the four levels proposed for the concept of scientific authority. Scientific hegemony is widely achieved by being a leader and influential in the path of scientific development of human society. Subject authority refers to a particular ability and capability in a special subject and domain. An institution's authority involves the excellence of some universities and research centers on a particular subject. Finally, the authority of the pioneers comes with the growth and development of top scientists at the international level.

Conclusion: To facilitate the achievement of scientific authority, priorities such as discourse among the educated, the detailed pathology of the past actions, the institutional mapping of the scientific authority in the country, future-oriented approaches, the updating of the concepts of authority using the experience of other countries, identifying appropriate values and strategies in line with upstream documents, setting up a scientific authority roadmap, reinforcing mission orientation, and monitoring of activities are essential.

Keywords: Authority, Forecasting, Policy Making, Science and state

1. Professor of Epidemiology and Biostatistics, Health Modeling Research Center, Institute for Futures Studies in Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

2. Associate Professor of Health Services Management, Management and leadership in Medical education Research Center, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

3. Associate Professor of Health Services Management, Health Foresight and Innovation Research Center, Institute for Futures Studies in Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

4. Ph.D. student of futures studies in health, Health Foresight and Innovation Research Center, Institute for Futures Studies in Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

* Corresponding author Health Foresight and Innovation Research Center, Institute for Futures Studies in Health, Haft-Bagh Blvd, Kerman, Iran. Cell phone: +98-912-3405187. Fax: +98-341-3205221 E-mail: rdehnavi @ gmail.com

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-07]

منابع

1. Goodarzi, G., Roudi, K. Interpretation of Scientific Authority for Educational Institutions by Applying Grounded Theory. Journal of Science and Technology Policy 2011; 4(2): 75-90. [In Persian]
2. Hekmatafshar M, Kalantari S, Sanagu A, Mahasti Jouybary L. Restoring Scientific Authority in Iran: The Perspective of Postgraduate Students in Golestan University of Medical Sciences, Iran. Journal of Qualitative Research in Health Sciences 2020; 2(2): 125-133.
3. Latifi A. Extracting and Prioritizing the Strategies for Achieving Scientific Authority of Iran by Using Performance-Measurement Analysis (IPA). Strategic Quarterly 2018; 27(86): 5-29. [In Persian]
4. Dehnavieh R, Haghdoost A, Noori Hekmat S, Bamir M, Masoud A, Poursheikhali A, et al . Evaluation of the Trend of Qualitative and Quantitative Growth of Scientific Products in Prioritized Health Fields during 2010-2017 Based on Scientometric Indicactors. Iranian Journal of Epidemiology 2019; 14: 93-102. [In Persian]
5. Supreme Council of the Cultural Revolution. Scientific Map of Health. Tehran: Ministry of Health and Medical Education; 2009. [In Persian]
6. Pourabbasi A, Akbari H, Akhvan A A, Haghdoost AA, Kheiry Z, Dehnavieh R, et al. Analysis of Iran's National Medical Education Evolution and Innovation Plan using the Michelle and Scott's model of policymaking. J Adv Med Educ Prof 2019; 7(1): 20-26.
7. Dehnavieh R, Rafiee N. Production of science and scientific authority, quantity or quality? Strides in development of medical education 2016; 13(6): 651-652. [In Persian]
8. Taban M, Seyyed Javadin R, Poor Ashraf Y, Yasini A, Viseh M. Identification of the Components of Scientific Reference Frame in Iran Higher Education with a Knowledge Based Approach. Irainian Journal of The Knowledge Studies in The Islamic University 2016; 20(67): 163-182. [In Persian]
9. Inayatullah S. Six pillars: futures thinking for transforming. Foresight 2008; 10(1): 4-21.
10. Pourabbasi A, Haghdoost A, Akbari H, Kheiry Z, Dehnavieh R, Noorihekmat S, et al. Packages for reform and innovation in medical education in Islamic Republic of Iran; a conceptual framework. Journal of Medicine and Spiritual Cultivation 2017; 26(1): 45-50. [In Persian]
11. Poorolajal J. The World's Scientific Authority and Health-Related Challenges. J Res Health Sci 2017; 17(2): e00376.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-07]